

Children's Rights to Education in International Human Rights Documents

Marzieh Hojaji Najaf Abadi¹, Massimo Papa²

Abstract

Children's rights, as part of the human rights debate, focus on protecting and supporting children and achieving their basic rights. Human rights are the inherent rights of all human beings. Children also have the same rights without discrimination. The main purpose of this research is to investigate the right to education of children and to study it in international documents. An analytical approach has been used to achieve this goal. The main focus of this analysis is the Convention on the Rights of the Child as the most important document in the field of child rights, related articles on the Child's education right, other international human rights instruments, the position of education in the international human rights system, the Declaration of Human Rights and Islamic Declaration of Human Rights. Therefore, recognizing the right to education for children in the human rights system will require the support and commitment of governments to provide children with access to appropriate educational facilities. The Declaration of the Rights of the Child incorporates the broad concept of the child as the right holder. The four basic principles of the Convention on the Rights of the Child can be: 1. The principle of non-discrimination and the guarantee of the rights of the Convention for all children without any discrimination; 2. The priority of the interests of the child in any law and regulations affecting the child; 3. The right to life, survival and development of children and adolescents; 4. The right to have children's views and opinions at all stages of their decision-making. In this international

1. Ph.D. Student in Right and Protection: Contemporary Experience, Comparison, Roman Law System, TorVergata University, Rome, Italy.
(Corresponding author) Email:mhojaji2000@gmail.com

2. Professor of Islamic Law and Islamic Countries, TorVergata, University, Rome, Italy.

instrument, Articles 28 and 29 recognize the right to education in children and this right has been enshrined in equal opportunities. Another international human rights instrument, especially in the field of children and the right to education of children, is the Human Rights Declaration of 1948. Article 26 recognizes the right to education of children and everyone has the right to equal access to education and access. It also sees education as guiding the human personality with good understanding, forgiveness and respect for different beliefs. This analysis, on the one hand, represents the belief in the inherent dignity of children and the "human personality" without any discrimination on the basis of issues of gender, color, opinion, ethnicity and religion, and on the other hand, emphasizes the principle is to protect children and to recognize their fundamental rights. The right to education as a human rights principle in the field of children, including the right to access to education, the right to quality and standard education, respect for the human dignity and dignity of the child, non-discrimination education at all stages of childhood, access to educational opportunities and equality of opportunity in education.

Keywords

Human Rights, Children's Rights, the Convention on the Rights of the Child, the Right to Education

Please cite this article as: Hojaji Najaf Abadi M, Papa M. Children's Rights to Education in International Human Rights Documents. *Child Rights J* 2019; 1(3): 213-237.

حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

مرضیه حججی نجف‌آبادی^۱

مسیمو پایا^۲

چکیده

حقوق کودک، به عنوان بخشی از مباحث حقوق بشر، بر حمایت و پشتیبانی از کودکان و دستیابی آنان به حقوق اساسی خویش اهتمام دارد. حقوق بشر، حقوق ذاتی همه انسان‌ها می‌باشد. کودکان نیز به طور یکسان و بدون تبعیض صاحب این حقوق هستند. هدف اصلی این پژوهش بررسی حق بر آموزش کودکان و بررسی آن در اسناد بین‌المللی است. برای دستیابی به این هدف از روش تحلیلی بهره گرفته شده است. مبنای اصلی این تحلیل، کنوانسیون حقوق کودک به عنوان مهم‌ترین سند خاص در حوزه حقوق کودک، بندهای مرتبط این کنوانسیون در ارتباط با حق آموزش کودک، دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جایگاه آموزش در نظام حقوق بشر بین‌الملل، اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌باشد، لذا به رسمیت‌شناختن حق بر آموزش کودکان در نظام حقوق بشر، لزوم حمایت و تعهد دولت‌ها در دسترسی کودکان به امکانات آموزشی مناسب را در پی خواهد داشت. اعلامیه حقوق کودک در بردارنده مفهوم گسترده‌ای از کودک به عنوان صاحبان حق می‌باشد. چهار اصل اساسی کنوانسیون حقوق کودک را می‌توان: ۱- اصل عدم تبعیض و تضمین حقوق مندرج در کنوانسیون برای همه کودکان، بدون هر نوع تبعیض؛ ۲- در اولویت قرارگرفتن منافع و علائق کودک در هر قانون و مقرراتی که بر کودک تأثیر می‌گذارد؛ ۳- حق زندگی، بقا و

۱. دانشجوی دکترای حقوق و حمایت، تجربه معاصر و سیستم حقوقی رومن، دانشکده حقوق، دانشگاه توروگاتا، رم، ایتالیا. (نویسنده مسؤل)
Email: mhohajji2000@gmail.com

۲. استاد تمام حقوق اسلامی و کشورهای اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه توروگاتا، رم، ایتالیا.

رشد کودکان و نوجوانان؛ ۴- حق ارائه نظر و عقیده کودکان در کلیه مراحل تصمیم‌گیری که به آن‌ها مربوط می‌شود. این سند بین‌المللی، ضمن مواد ۲۸ و ۲۹ حق آموزش را در کودکان به رسمیت می‌شناسد و این حق بر اساس فرصت‌های برابر تبیین شده است. از دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ می‌باشد. ماده ۲۶ آن، حق بر آموزش کودکان را به رسمیت می‌شناسد. همچنین آموزش را هدایت شخصیت انسانی با حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مختلف می‌داند. این تحلیل، از یکسو، معرف اعتقاد به کرامت ذاتی کودکان و قائل‌شدن «شخصیت انسانی»، بدون هرگونه تبعیض بر محوریت موضوعات؛ جنسیت، رنگ، عقیده، قومیت و مذهب و سایر ویژگی‌ها می‌باشد؛ از سوی دیگر، تأکید بر اصل حمایت از کودکان و شناسایی حقوق بنیادین آن‌ها می‌باشد. حق بر آموزش به عنوان یک اصل حقوق بشر، در حوزه کودکان شامل حقوقی، از جمله حق دسترسی به امکانات آموزشی، حق برخورداری از آموزش با کیفیت و استاندارد، احترام به شأن و منزلت انسانی کودک، آموزش بدون تبعیض در تمام مراحل دوران کودکی، در دسترس بودن امکانات آموزشی و برابری فرصت‌ها در آموزش می‌باشد.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک، حق بر آموزش

مقدمه

همه انسان‌ها برای زندگی، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی، اجتماعی و... هستند. در این میان، کودکان به لحاظ ضعیف‌بودن در حفاظت و مراقبت از خود در مواجهه با مشکلات مختلف، نیازمند حمایت‌های ویژه از سوی والدین، اجتماع و جامعه بین‌المللی می‌باشند.

به نظر می‌رسد تقریباً در همه وقایع تاریخی، کودکان بیشتر از دیگر اقشار جامعه بشری، قربانی اقدامات نظامی، خشونت، بی‌عدالتی، نژادپرستی، سوءاستفاده جنسی، گرسنگی، فقر و... هستند. این بی‌عدالتی‌ها هر کدام نقض‌کننده امنیت و آرامش کودک می‌باشند.

با دگرگونی جوامع بشری در حوزه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، شاهد تغییراتی در نگرش به حقوق انسانی و نهایتاً تغییر نوع دیدگاه به کودکان به عنوان بخشی از جمعیت انسانی و آسیب‌پذیر جامعه هستیم، یعنی تغییر نوع نگرش، انسانی با کرامت ذاتی و دارای حقوق متصور نموده است.

بر این اساس و بر مبنای حقوق انسانی، هر کودک بدون در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی، ملیتی، مذهبی، نژادی و عقیدتی، جنسیتی و هرگونه ویژگی دیگر، از حقوق بنیادین بشری مانند حق حیات، حق بر سلامت، حق بر آموزش و... برخوردار است.

پس از جنگ جهانی دوم، برخی ابزارهای مهم حقوقی مانند سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، نهادهای مردم‌نهاد و... تأثیرگذار بر توسعه و رشد حقوق کودک در قوانین بین‌المللی بوده‌اند. در نتیجه، شاهد شکل‌گیری نظام حقوق بشر کودکان و حمایت از حقوق کودکان در سطح بین‌الملل و شناسایی و پذیرش جهانی بوده‌ایم.

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ سند مهم حقوق کودک، طیف گسترده‌ای از حقوق اساسی کودکان را تضمین می‌کند. این کنوانسیون تعیین‌کننده برخی از مسؤولیت‌های دولت‌ها در برابر حقوق کودکان و انعکاس حقوق مندرج در کنوانسیون در قوانین، مقررات و تخصیص منابع توسط دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط می‌باشد.

آموزش به عنوان مؤثرترین ابزار برای توانمندسازی، رشد و پیشرفت شخصیت انسانی و یک حق اساسی، در اسناد حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۲۸ اعلامیه حقوق کودک نیز به صراحت بر حق بر آموزش کودکان اشاره کرده است، لذا دولت‌های عضو در جهت حمایت از حقوق کودکان، بر پایه فرصت‌های برابر، موظف به اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور دستیابی کودکان به آموزش می‌باشند. این نوشتار، به بررسی و تأمل در مورد حق بر آموزش کودکان از چشم‌انداز جهانی معطوف خواهد بود. این مهم با یافتن حق بر آموزش کودکان در CRC و در یک چارچوب گسترده‌تر نظام حقوق بشر بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر با محوریت حق بر آموزش کودکان، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آشنایی با مفهوم حقوق کودک

با نگاهی گذرا به تاریخ زندگی اجتماعی بشر متوجه می‌شویم که اعتقاد به کرامت ذاتی کودکان و قائل شدن «شخصیت انسانی» برای آن‌ها به مانند یک انسان بزرگسال همواره مورد تأیید نبوده است. وضعیت خاص آسیب‌پذیری آن‌ها به دلیل خصوصیات جسمانی - روانی و جایگاه اجتماعی، و وابستگی آنان از هر نظر به خانواده و بزرگسالان، سبب می‌شد تا کرامت ذاتی انسانی آن‌ها همواره نقض شود. بدین‌سان در بسیاری موارد به حقوق بنیادین اولیه آنان بی‌توجهی می‌شد. در مواردی نیز در برخی جوامع و فرهنگ‌ها، نگاهی ابزارگونه به کودکان، موقعیت آن‌ها را به شیء یا کالا تنزل می‌داد، به طوری که در برخی موارد کودکان به عنوان اموال و دارایی‌ها محسوب می‌شدند.

بنابراین فرایند شناسایی اصول، قواعد، ارزش‌ها و الگوی هنجاری جهانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر در زمینه کودکان پیشرفت مناسبی داشته است. به طوری که از یکسو کرامت انسانی و حیثیت ذاتی آن‌ها در پرتو اصول و قواعد بنیادین شناسایی شده است و از سویی بر اصل حمایت ویژه از کودکان و شناسایی حقوق بنیادین آن‌ها، در

مقایسه با حقوق بشر بزرگسالان، مورد تأکید قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به حوزه حقوق موضوعه به ویژه کیفری اشاره کرد (۱).

جهان‌شمولی حقوق بشر غالباً بدین دلیل است که ریشه در اخلاق و ارزش‌های جهانی مورد قبول انبای بشر داشته و از مشترکات انسانی حمایت می‌کند؛ از طرف دیگر اصول و قواعد بنیادین حقوق بشر که بنیان‌های حقوق موضوعه بر آن استوار است و شناسایی آن‌ها را نیز تشکیل می‌دهد، یکی دیگر از نقاط پیوند حقوق بشر کودکان به حقوق موضوعه محسوب می‌شود. در این زمینه می‌توان به اصل منع تبعیض علیه کودکان اشاره کرد. به عبارت دیگر نظام بین‌المللی حقوق بشر، اصولی را به رسمیت می‌شناسد که امروزه پایه‌های اصلی حقوق موضوعه مدرن را تشکیل می‌دهند. بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشان می‌دهد که در پرتو پذیرش جهانی احترام به کرامت انسانی یکسری اصول بنیادین به رسمیت شناخته شده که امروزه همچون ستون‌هایی، کل حقوق کودکان بر روی آن بنا شده است. پذیرش این اصول بنیادین، بی‌تردید تمامی شعبه‌های حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱).

تعریف حقوق بشر از کودک در ارتباط با کودکان و محیط پیرامون آن‌ها، خواسته‌ها، شناسایی صاحبان وظیفه و نهایتاً آنچه که موجب نقض حقوق بشر در زندگی کودکان گردد، می‌باشد. حقوق بشر، حقوق ذاتی همه انسان‌ها هستند. ما به طور یکسان و بدون تبعیض صاحب حقوق بشر خویش هستیم. این حقوق، بهم پیوسته، وابسته و غیر قابل تفکیک هستند، در حالی که این تعریف کلی، پایه‌ای است که بر اساس آن قوانین بین‌المللی حقوق بشر تدوین می‌شود، شناسایی عناصر خاص که حقوق بشر کودکان را تعهد می‌کند یک اقدام پیچیده است. به همین دلیل، کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد، چارچوب مهم حقوق بشر کودکان در حقوق بین‌المللی باشد (۲).

علی‌رغم وجود اعلامیه ۱۹۲۴ حقوق کودک (Geneva Declaration of the Rights of the Child) و اعلامیه جهانی ۱۹۵۹ (Declaration of the Rights of the Child) در حمایت از حقوق کودک، در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیرامون

حقوق کودکان، ضمن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تعریف کامل‌تری از کودک ارائه شده است:

مطابق ماده ۱ این پیمان‌نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است، مگر این‌که سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

حقوق بین‌الملل برای پایان کودکی ملاک سن را برگزیده است. در خصوص این ماده دو نکته شایان توجه است: نخست تعیین سن هیجده سال به عنوان تمیز میان کودک و بزرگسال؛ دوم احاله مسأله به حقوق ملی در صورت تفاوت آن با کنوانسیون مزبور است. برای مثال در کشوری مانند ایران که به موجب قانون ملی سن بلوغ برای دختران و پسران نه سال و پانزده سال تعیین شده، دختران و پسرانی که در قلمروی سرزمینی ایران به این سن می‌رسند، از چشم قانونگذار دیگر کودک قلمداد نخواهد شد. در نتیجه آیا این‌گونه دختران و پسران از شمول کنوانسیون حقوق کودک خارج می‌شوند؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، کودکان هم سن در سایر کشورها از مزایای کنوانسیون حقوق کودک بهره‌مند خواهند بود و در نتیجه این دسته از کودکان از حقوق برابر با همسالان خود محروم خواهند بود، این امر خود تبعیض آشکار در اعمال مقررات بین‌المللی است و اگر پاسخ منفی باشد، یعنی این قبیل کودکان به رغم مقررات حقوق ملی خود که آنان را کودک و صغیر نمی‌انگارد، کماکان از نظر حقوق بین‌الملل ناظر بر کودکان باشند در این صورت امر با منطوق عبارت ماده ۱ کنوانسیون مزبور در احاله به قانون ملی منافات دارد؛ ثانیاً تعارض میان حقوق ملی و بین‌المللی پدید می‌آید. در مجموع از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک:

- به عنوان یک اصل کلی، کودک هر فرد زیر هجده سال در نظر گرفته می‌شود.
- کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی است.
- اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است، مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب نماید که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد (۳).

اعلامیه حقوق کودک دربردارنده مفهوم گسترده‌ای از کودک به عنوان صاحبان حق ارائه داده است. این در حالی است که جوامع را در رفتار با کودکان به عنوان شخصیت‌های اجتماعی دارای حقوق و به عنوان شخصیت‌های صاحب ایده در مورد دنیای اطرافشان، مورد تشویق قرار می‌دهد (۲).

حقوق کودکان در نظام بین‌الملل حقوق بشر

قرن نوزدهم شاهد شکل‌گیری جنبش‌های حمایت از حقوق کودکان، بوده است. در پی انقلاب صنعتی، استثمار شدیدی نسبت به کودکان صورت می‌گرفت. کودکانی به طور عمده در صنایع منسوجات، معادن، کشاورزی، خدمات خانگی، اسکله‌ها و ناوبری کار می‌کردند. به عبارتی «پیشرفت صنایع» و فرایند صنعتی‌شدن و شهرنشینی عواقب جدی برای کودکان دربر داشت. در گذر تاریخ، تجربیات آن‌ها به طور طبیعی با تجربیات بزرگسالان متفاوت بوده است.

از ابتدای قرن بیستم با افزایش فعالیت مدافعان حقوق مدنی و فعالان حقوق کودک، تلاش‌هایی در حمایت از کودکان انجام شد که منجر به پیشرفت در آموزش، شرایط کودکان و تا حدودی مراقبت‌های پزشکی بهتر بوده است. اثرات و پیامدهای فاجعه‌آمیز جنگ جهانی اول بر غیر نظامیان به طور کلی و کودکان به ویژه، منجر به شکل‌گیری اعلامیه ۱۹۲۴ شد.

در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۴، هنگامی که جامعه ملل، «اعلامیه حقوق کودک» را در ژنو به تصویب رساند، نه‌تنها نیازها و نقش‌های مختلف آن‌ها را در جامعه به رسمیت شناخت، بلکه معیارهایی را تعیین کرد که بر اساس آن رفتار جوامع یا ملل با کودکان سنجیده می‌شد. با انجام این کار، جامعه ملل معیارهایی را برای «کودکی» وضع کرد که شبیه کودکانی است که ما آن را «مدرن» می‌شناسیم. در مقدمه این اعلامیه تأکید شده است که فراتر از همه ملاحظات نژادی، ملیت، مذهب، جنسیت یا عقیده، کودکان فقط به دلیل کودک‌بودن از برخی حقوق برخوردار هستند (۴).

پنج اصل ساده این اعلامیه، اساس حقوق کودک را هم از نظر حمایت از افراد ضعیف و آسیب‌پذیر پایه‌گذاری کرد و هم ارتقای رشد کودک در این اعلامیه تعریف شده است. اعلامیه همچنین تعیین می‌کند که مراقبت و حمایت از کودکان را دیگر در مسؤولیت انحصاری خانواده‌ها یا جوامع و یا حتی دولت‌های جهان نمی‌داند و دنیا به عنوان یک کل، علاقه مشروع به رفاه همه کودکان دارد (۵).

با وجود گفتار امیدوارکننده اعلامیه سال ۱۹۲۴ جامعه ملل که مجموعه‌ای از مفروضات در ارتباط با حقوق کودکان بود و می‌توان گفت این اصول، جهانی شدند و بسیاری از کشورها برای تحقق آن‌ها تلاش کردند، اما سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد بین‌المللی جانشین جامعه ملل، اعلامیه‌هایی در مورد حقوق کودکان، در سال ۱۹۵۹ و در سال ۱۹۸۹ تصویب نمود. آرمان‌های بیان‌شده در این اعلامیه، الهام‌بخش ایجاد صندوق کودکان (یونیسف) سازمان ملل در سال ۱۹۴۶ شد و همچنین منجر به تأسیس آژانس‌های بی‌شمار دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در سراسر جهان برای کمک و رفاه کودکان، گردید. با وجود چالش‌های بسیار از زمان تصویب اعلامیه جهانی کودک، همچنان روزنه‌ای برای یادآوری مسؤولیت مشترک جامعه جهانی در دفاع از «حقوق کودک» بوده است (۵).

اعلامیه جهانی حقوق کودک، به عنوان مهم‌ترین سند خاص حقوق بشر در حوزه کودکان، اولین تلاش جامعه بین‌الملل در جهت حمایت قانونی از کودکان قلمداد می‌شود. در مقدمه این اعلامیه در زمینه تعریف ویژه از کودکان آمده است «نظر به این‌که کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب می‌باشد، نیازمند است» و «نظر به این‌که نیاز به چنین مراقبت و حمایت خاص در اعلامیه ژنو حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ آمده است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر... به رسمیت شناخته شده است، کشورهای عضو به مفاد این سند توافق کردند» (۱).

«مرکز بین‌المللی توسعه کودک» (۶) یونیسف (۷)، نهاد بین‌المللی حقوق کودک سازمان ملل، اعلامیه کودک را جامع‌ترین سند حقوق کودک برشمرد. آن را نقطه

عطفی در تاریخ بشریت عنوان نمود و آن را ابزاری برای حمایت از حقوق کودک بیان داشت که می‌تواند نقطه آغازین توسعه پتانسیل فردی در فضایی از آزادی، عدالت همراه با شأن و منزلت انسانی باشد (۸).

چهار اصل اساسی اصلی کنوانسیون حقوق کودک: ۱- عدم تبعیض (ماده ۲)، تضمین حقوق مندرج در کنوانسیون باید برای همه کودکان، بدون تفاوت در نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده باشد؛ ۲- علاقه و بهترین منافع کودک (ماده ۳): در هر قانون، مقررات، ابتکارات عمومی یا خصوصی و در هر موقعیت و تصمیمی که بر کودک تأثیر می‌گذارد، باید منافع و علایق کودک/ نوجوان در اولویت قرار گیرد؛ ۳- حق زندگی، بقا و رشد کودکان و نوجوانان (ماده ۶): کشورها متعهد هستند که از همه منابع موجود برای صیانت از زندگی و رشد سالم فرزندان استفاده کنند، از جمله همکاری با دولت‌ها؛ ۴- نظرات و دیدگاه‌های کودک (ماده ۱۲): حق ارائه نظر و عقیده کودکان در کلیه مراحل تصمیم‌گیری که به آن‌ها مربوط می‌شود، شنیده می‌شود (۹).

حق بر آموزش و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر است که به صورت بین‌المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی و نژادی از نشانه‌های بارز پایبندی حکومت‌ها به یکی از جنبه‌های مهم حقوق بشر در سطح جهان است. این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت‌ها مکلف‌اند با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند.

در پی جنگ جهانی دوم، جهان درگیر جنگ‌های بین‌المللی گسترده بود. در بحث پیرامون ضرورت و اهمیت آموزش برای بازسازی پس از جنگ جهانی دوم در اولین گام، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پدیدار گشت. این نهاد در سال ۱۹۴۶ توسط

شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد تأسیس شد تا توصیه‌هایی را برای ترویج احترام و رعایت حقوق بشر ارائه دهد، مبنی بر این که دولت‌ها با احترام به حقوق بشر مانع از بروز جنگ علیه سایر دولت‌ها شوند.

گزارشگر این کمیسیون، دکتر چارلز ملک (لبنان) معتقد بود که از ابتدا، همه اعضای کمیسیون می‌دانستند که وظیفه آن‌ها در تهیه اعلامیه حقوق بشر به خودی خود یک کار آموزشی است. وی گفت: «ما باید یک بیانیه کلی از حقوق بشر را به طور خلاصه، دقیق و اساسی از حقوق و آزادی‌های [هر شخص] تعریف کنیم که طبق منشور سازمان ملل متحد ارتقا می‌یافت...» (۱۰).

بیانیه دکتر چارلز ملک، مقدمه اعلامیه جهانی را تکرار کرد و این اعلامیه را به عنوان معیار مشترک همه مردم و ملت‌ها معرفی نمود و اعلام کرد که باید «با آموزش و تعلیم و تربیت در جهت احترام به این حقوق و آزادی‌ها تلاش کرد...» (۱۰).

نهایتاً مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR: Universal Declaration of Human Rights) را به تصویب رسانید. این سند به عنوان ملاکی برای اندازه‌گیری میزان انطباق ملت‌ها با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت. در ماده ۲۶ این اعلامیه، آموزش و پرورش به عنوان یک حق اساسی اعلام گردیده است.

۱- هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش حداقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد و همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند؛ ۲- آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کامل رشد برساند و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مختلف و دوستی بین تمام ملل، جمعیت‌های نژادی یا مذهبی باشد و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح

تسهیل نماید؛ ۳- پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر، اذعان می‌دارد که حق آموزش باید با سه هدف آموزشی خاص مرتبط باشد: ۱- رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ ۲- ارتقای تفاهم، تحمل و دوستی بین همه ملل، گروه‌های نژادی یا مذهبی؛ ۳- ادامه فعالیت‌های سازمان ملل برای حفظ صلح (۱۰).

این ماده، دربرگیرنده توسعه شخصیتی کامل انسان، از طریق UDHR است. اهمیت آن در ایجاد یک مفهوم جامع از شخصیت انسانی به عنوان موجودی ذاتاً آزاد، اجتماعی، دارای فهم بالقوه و حق شرکت در تصمیم‌گیری‌های مهم که به طور متناوب در چندین نقطه مورد توجه قرار گرفته است. طبق ماده ۲۲، حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر شخص... برای رشد آزاد شخصیت او «ضروری» است. ماده ۲۶ حق تعلیم و تربیت را مطرح می‌کند و اذعان می‌دارد: «آموزش باید به پیشرفت کامل شخصیت انسانی هدایت شود.» ماده ۲۹ دیدگاه کلی نگرانه حقوق بشر را تکرار می‌کند و وظایف هر شخص در قبال جامعه را عنوان می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن تنها پیشرفت کامل و آزاد شخصیتی وی امکان‌پذیر است» (۱۰).

ارتباط مواد اعلامیه حقوق بشر با اصطلاح «توسعه کامل»، نشان‌دهنده ماهیت اعلامیه حقوق بشر است که به موجب آن حقوق متنوعی از اعتقاد به برابری همه انسان‌ها و وحدت بنیادین همه حقوق بشر سرچشمه می‌گیرد. حق «رشد کامل شخصیت انسان» به عنوان حق مورد تأکید در جامعه و تعامل اجتماعی تلقی می‌شود و این با کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیانیه پیوند داده شده است. با توجه به هدف توسعه کامل شخصیت انسانی در متن جامعه - تنها زمینه‌ای که در این امر می‌تواند رخ دهد، شناختن حق تعلیم و تربیت به عنوان یک حق اجتماعی و همچنین، مسؤولیت جامعه به عنوان یک کل می‌باشد (۱۰).

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶
مجمع عمومی سازمان ملل متحد (ICESCR: International Covenant on)

(Economic, Social and Cultural Rights) از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر است که حق دسترسی همگان به آموزش و پرورش را به رسمیت شناخته است. ماده ۱۳، اهداف آموزش و پرورش و نقش والدین در فرایند آموزش را مورد تأکید قرار می‌دهد. این ماده اساس و بنیان مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون کودک قرار می‌گیرد.

بیست و یکمین جلسه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (CESCR)، پیرامون ماده ۱۳، «حق بر آموزش»، کارکرد مناسب و دقیق اسناد حقوق بشر را منوط به شرایط و رفتار دولت‌ها می‌داند و آموزش در همه اشکال و سطوح را دارای ویژگی‌های ضروری و مرتبط ذیل می‌داند:

دولت‌ها موظفند مؤسسات و برنامه‌های آموزشی مؤثر همراه با کیفیت بالا در دسترس عموم قرار دهند. دسترسی به برنامه‌های آموزشی، باید برای همه بدون تبعیض، قابل حصول باشد به ویژه برای افراد آسیب‌پذیر جامعه. همچنین امنیت فیزیکی، راحتی همراه با تکنولوژی مدرن امکان‌پذیر باشد. آموزش باید برای همه مقرون به صرفه باشد، به ویژه آموزش ابتدایی باید برای همه قابل دسترس و رایگان باشد. در بحث مقبولیت برنامه‌های آموزشی، منعطف بودن آن‌ها مطرح است و با نیازهای متغیر جامعه و اجتماع سازگاری داشته باشد و پاسخی به نیازها و منافع دانش‌آموزان در جوامع مختلف و فرهنگ‌های مختلف باشد (۱۱).

«کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش (Convention against Discrimination in Education)» پاریس، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ صراحتاً هرگونه تبعیض و تمایز در آموزش و محرومیت از آن را شامل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه سیاسی یا ملی و وضعیت اقتصادی یا شرایط تولد را رد و مغایر با منزلت انسانی می‌داند و آن را حق یکایک افراد بشری می‌داند (۱۲).

بیانیه کنفرانس سازمان‌های آموزشی، علمی و فرهنگی ۱۹۷۶ سازمان ملل (General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)، دسترسی به آموزش و پرورش، در چارچوب تعلیم و تربیت

مادام‌العمر را یکی از جنبه‌های اساسی از حق آموزش و پرورش و تسهیل در استفاده از حق مشارکت در زندگی سیاسی، فرهنگی، هنری و علمی می‌داند و مضافاً این‌که سواد آموزی را به عنوان یک عامل مهم در توسعه سیاسی و اقتصادی، پیشرفت فناوری و تحولات اجتماعی و فرهنگی در نظر می‌گیرد. همچنین توسعه آموزش بزرگسالان را ابزاری برای دستیابی به توزیع عقلانی‌تر و عادلانه‌تر منابع آموزشی بین گروه‌های مختلف اجتماعی و حصول اطمینان از درک بهتر و همکاری مؤثرتر بین نسل‌ها و برابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تلقی می‌کند (۱۳).

برنامه «آموزش برای همه (World Declaration on Education for All)» ۱۹۹۰، جامتین تایلند، به همت پنج سازمان بین‌المللی یونسکو (UNESCO)، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)، بانک جهانی (World Bank)، برنامه عمران جهانی (UNDP) و یونیسف (UNICEF) تشکیل گردید. در مقدمه اعلامیه این گردهمایی، حق بر آموزش را از حقوق بنیادین هر فرد انسانی، در هر سن و در هر نقطه از دنیا معرفی می‌کند. از اهداف این سند، به ایجاد فرصت‌های آموزشی و محیط‌های آموزشی مناسب برای همه افراد، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان و بهبود کیفیت یادگیری، تأکید شده است. برآورده شدن نیازهای آموزشی، موجب توانمندی افراد در زندگی اجتماعی و احساس مسئولیت و احترام به میراث فرهنگی، زبانی و معنوی جمعی، توسعه آموزشی افراد، ایجاد محیط حمایتی برای افراد، افزایش بردباری و تحمل افراد در برابر سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت و همکاری برای صلح و همبستگی بین‌المللی می‌شود (۱۴).

لذا در نظام حقوق بشر بین‌الملل ضمن به رسمیت‌شناختن حق بر آموزش، بر شناسایی اهمیت آن در رشد و توسعه فردی و نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین ضرورت دسترسی به برنامه‌های آموزشی فارغ از هرگونه تبعیض، تأکید شده است.

حق بر آموزش کودکان و اسناد حقوق بشر

این قسمت به بررسی و تأمل در مورد کنوانسیون حقوق کودک و سپس از چشم‌انداز جهانی به حق آموزش برای کودکان، می‌پردازد. در واقع بررسی حق آموزش کودکان در کنوانسیون حقوق کودک (CRC: Convention on the Rights of the Child) و گسترش آن در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی مورد توجه خواهد بود. کنوانسیون کودک یک پیمان‌نامه بین‌المللی است که حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کودکان را بیان می‌کند. مفاد آن یک استاندارد جهانی ترسیم می‌کند که رعایت آن برای همه کشورها الزام‌آور است. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمد.

کنوانسیون حقوق کودک به گونه‌ای نوین به این مسائل می‌پردازد. در واقع، قدرت کنوانسیون در مفهوم جداناپذیر بودن و وابستگی متقابل تمام حقوق مندرج در آن به حقوق ذاتی که نشان دهنده کرامت انسانی کودک است و البته این حقوق برای رشد کامل شخصیت کودک ضروری هستند. این حقوق شامل حقوق مدنی و سیاسی، حقوق فرهنگی، اجتماعی حقوق اقتصادی کودک است. (۱۵). دو ماده ۲۸ و ۲۹ در پیمان‌نامه حقوق کودک اشاره به حق آموزش در کودکان دارند. ماده ۲۸ با محوریت موضوع دسترسی به آموزش و ماده ۲۹ اهداف آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. این حق بر اساس فرصت‌های برابر و بر پایه اقدامات زیر خواهد بود:

ماده ۲۸، بر ایجاد حق دسترسی به آموزش‌های ابتدایی، متوسطه، حرفه‌ای و آموزش عالی بر اساس ظرفیت‌ها و امکانات مناسب و قابل دسترس برای همه توسط دولت‌ها تأکید می‌نماید. ماده ۲۹ اهداف تعلیم و تربیت را شامل آموزش با کیفیت و همچنین تحمل، برابری و احترام به حقوق بشر، به طور خاص مشخص می‌کند. ماده ۲۹ بر اساس ماده ۱۳ (CESCR) شامل دو موضوع مهم و اساسی، احترام به کرامت انسانی و فرهنگ و دیگری احترام به محیط طبیعی می‌باشد. ماده ۲۸، دولت‌ها را ملزم

به همکاری‌های بین‌المللی در زمینه آموزش به منظور حذف جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی می‌کند.

ماده ۲۹، احترام به فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگران و آماده‌سازی کودک برای زندگی مسؤولانه در یک جامعه آزاد، با روحیه تفاهم، صلح، تحمل، برابری جنسیت‌ها، دوستی در بین همه اقوام ملی و مذهبی، گروه‌ها و افراد با منشأ بومی متفاوت را تقویت می‌کند. این ماده نقش مهمی در ایجاد احترام و تحمل فرهنگ‌های مختلف و صلح و امنیت ملی و بین‌المللی خواهد داشت (۱۶).

در پی آن، در سال ۱۹۹۰ اولین گردهمایی با موضوع «آموزش برای همه» در جامتین تایلند به همت پنج سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA)، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد (UNDP) تشکیل شد. این گردهمایی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین گردهمایی‌های قرن گذشته در حوزه تعلیم و تربیت بوده است.

در مقدمه بیانیه اجلاس جهانی کودکان ۱۹۹۰ آمده است؛ کنوانسیون حقوق کودک به دنبال تضمین این امر است که کودکان کم‌تر از ۱۸ سال، به طور کامل از هرگونه پتانسیل رشدی خود بدون نگرانی از استثمار، گرسنگی، غفلت و سوءاستفاده‌های دیگر، برخوردار باشند. همچنین کنوانسیون تعیین‌کننده برخی از مسؤولیت‌های دولت‌ها و خانواده‌ها در برابر حقوق کودکان و انعکاس حقوق مندرج در کنوانسیون در قوانین، برنامه‌ها و تخصیص منابع است که دستیابی به آن‌ها عزم و اراده بزرگی را در پی خواهد داشت (۱۷).

در ماده ۱ اعلامیه کنفرانس «آموزش برای همه» ۱۹۹۰ تایلند آمده است: هر شخص - کودک، جوان و بزرگسال باید از فرصت‌های آموزشی برخوردار باشد. این نیازها شامل ابزارهای ضروری آموزشی و محتوای آموزش، مانند آگاهی، مهارت، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌باشد. این ابزارها برای بقا، توسعه توانایی‌های شخصی، برای تصمیم‌گیری و برای ادامه آموزش هر فرد انسانی لازم است.

در ماده (۱) ۵ این بیانیه نیز آمده است: آموزش از بدو تولد آغاز می‌شود و این شامل مراقبت‌های دوران کودکی و آموزش‌های ابتدایی می‌شود. این موضوع می‌تواند به وسیله خانواده، جامعه یا برنامه‌های سازمان‌دهی شده دولت تأمین شود، از طریق: سیستم آموزشی ابتدایی باید عمومی و همگانی باشد و تأمین‌کننده نیازهای آموزشی کودکان، با توجه به نیازهای فرهنگی، موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها باشد. برنامه‌های جایگزین تکمیلی، تأمین‌کننده نیازهای آموزشی کودکانی است که برای آنان دسترسی به مدارس رسمی امکان‌پذیر نیست و این برنامه‌ها طبق استانداردهای آموزشی خواهند بود (۱۸).

در بیانیه اجلاس جهانی کودک (World Summit for Children) ۱۹۹۰ آمده است، حق بر آموزش کودکان، موضوع دو ماده اصلی کنوانسیون حقوق کودک (۲۷ و ۲۸) است که در کنفرانس جهانی «آموزش برای همه» در تایلند (۹-۵ مارس ۱۹۹۰ م) مورد تأیید قرار گرفت. در این کنفرانس بر آموزش ابتدایی اجباری و رایگان برای همه تأکید شده است و آن را در جهت رشد شخصیت کودک، استعدادها و توانایی‌های طبیعی کودک و احترام به هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های کودک برشمرد. همچنین تأکید بر فرصت‌های برابر آموزشی برای دختران و پسران، شده است (۱۷).

بر اساس ماده ۳۳-۲۹، بیانیه اجلاس جهانی کودک، عوامل گسترش فعالیت‌های ارتقای رشدی کودکان شامل:

- دسترسی جهانی به آموزش پایه و دستیابی به آموزش ابتدایی، از طریق آموزش رسمی یا آموزش غیر رسمی، با تأکید بر کاهش تفاوت‌های جاری بین پسران و دختران.

- کاهش نرخ بی‌سوادی بزرگسالان.

- افزایش کسب دانش و مهارت و ارزش‌های لازم برای زندگی بهتر توسط افراد و خانواده‌ها، از طریق تمام کانال‌های آموزشی، از جمله رسانه‌های جمعی و دیگر اشکال ارتباطی مدرن و سنتی و اجتماعی، با در نظر گرفتن اثربخشی از نظر رفتاری، خواهد بود (۱۹).

در سال ۲۰۰۰ گردهمایی دیگری با حمایت پنج سازمان مذکور و با حضور سران و وزیران آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان به منظور بررسی عملکرد کشورها،

تعهد و مسؤولیت آن‌ها در قبال اهداف کنفرانس جهانی «آموزش برای همه» طی ده سال گذشته و مشارکت و همکاری با آژانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و ترسیم برنامه عمل طی ۱۵ سال آینده (۲۰۱۵ م.)، در داکار سنگال تشکیل شد. این گره‌مایی شش هدف مهم EFA را مورد تأکید قرار می‌دهد و یازده استراتژی مهم را مطرح می‌کند.

از جمله اهداف توسعه بین‌المللی آموزش که از اوایل کودکی شروع و در طول زندگی گسترش می‌یابد، موضوع دسترسی به فرصت‌های آموزشی با کیفیت بالا، عادلانه و بدون تبعیض، تضمین حق آموزش توسط دولت‌ها برای شهروندان، آموزش پایه رایگان و ضرورت تعهد و مشارکت دولت در آموزش و پرورش (۲۰).

بیست و هفتمین نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۰۰۲ «جهانی مناسب برای کودکان (A World Fit for Children)»: این بیانیه سه دستاورد ویژه را تشریح می‌کند: بهترین شروع ممکن در زندگی برای کودکان، دسترسی به یک آموزش ابتدایی باکیفیت، شامل آموزش ابتدایی رایگان و اجباری و فرصت کافی برای کودکان و نوجوانان، برای توسعه ظرفیت‌های فردی می‌باشد (۲۱).

در سال ۲۰۱۵ سازمان ملل روند جدید توسعه پایدار را آغاز کرد. «کنفرانس جهانی آموزش (World Education Forum)» به میزبانی جمهوری خلق کره، در اینچئون، ۲۰۱۵، به همکاری سازمان‌های بین‌المللی یونیسف، بانک جهانی، نهاد حقوق بشر سازمان ملل، صندوق جمعیت سازمان ملل، برنامه عمران سازمان ملل و یونسکو، تشکیل شد. در این گردهمایی جهانی بیش از ۱۶۰۰ شرکت‌کننده از مقامات، وزراء، نمایندگان تشکلات اجتماعی و بخش‌های خصوصی از سراسر دنیا شرکت داشتند. در این نشست بر نقش آموزش در زندگی و دستیابی به برنامه آموزشی توسعه، «آموزش فراگیر با کیفیت عادلانه و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه (Ensure Inclusive and Equitable Quality Education and Promote Lifelong Learning Opportunities for All, SDG4)»، تأکید شد. همچنین در بیانیه این نشست دولت‌ها متعهد به اهداف و دستور کار کنفرانس جهانی آموزش ۱۹۹۰ تایلند و

کنفرانس جهانی ۲۰۰۰ سنگاپور شدند مضافاً بر این که در چشم‌انداز جدید برنامه اقدام ۲۰۳۰، متعهد به اجرای برنامه توسعه‌ای SDG4 تا سال ۲۰۳۰ شدند (۲۲).

در این راستا فعالیت‌های دیگری در زمینه «حق بر آموزش» صورت گرفته است، از جمله در مقدمه کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ۲۰۰۶ سازمان ملل (CRPD: Convention on the Rights of Persons with Disabilities) به اهمیت دسترسی به محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و آموزش و اطلاعات و ارتباطات در جهت توانمندساختن افراد معلولیت در بهره‌مندی کامل از تمامی حقوق بشر و حقوق بنیادین اشاره کرده است. همچنین ماده ۷ این کنوانسیون از تحقق حقوق بنیادین بشر و عالی‌ترین منافع کودکان دارای معلولیت بر مبنای برابر با سایر کودکان و ماده ۲۴ بر تحقق حق آموزش بدون تبعیض بر مبنای فرصت برابر در نظام آموزشی فراگیر در تمامی سطوح، در جهت توسعه شخصیت و توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت اختصاص یافته است (۲۳).

طبق کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش پاریس، ۱۹۶۰، باید آموزش ابتدایی رایگان و اجباری، دسترسی و دستیابی همگان به همه اشکال آموزش متوسطه و معیارهای آموزشی در همه مؤسسات آموزشی عمومی هم سطح، برابر و شرایط مربوط به کیفیت آموزش نیز در آن‌ها یکسان باشد (۲۴).

اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، طلب علم را یک فریضه می‌داند و آموزش را یک امر واجب بر جامعه و دولت می‌داند. لذا بر دولت و بر هر کس از فرد جامعه که توانایی دارد، تامین طرق و آماده ساختن وسایل تعلیم واجب است. هم چنین واجب است بر آنان، تضمین تنوع تعلیم، به طوری که مصالح جامعه را برآورد و معرفت دین اسلام و حقایق جهان هستی و تصرف معقول در آن حقایق را به سود بشریت امکان پذیر سازد. این حق، "حق توجیه صحیح ذهن و فکر بشری" نامیده می‌شود. (۲۵). همچنین «میثاق حقوق کودک در اسلام» به عنوان دیگر سند اسلامی، به این موارد اشاره دارد: دسترسی رایگان و اجباری به آموزش ابتدایی و متوسطه برای تمامی کودکان، بدون توجه به

جنسیت، رنگ، ملیت، مذهب، تولد یا هر ملاحظه دیگر جهت توسعه آموزش از طریق ارتقای دوره تحصیلی مدارس، تدارک فرصت‌های آموزش حرفه‌ای، فراهم‌نمودن فرصت‌هایی برای کودک جهت کشف استعدادها و شناخت اهمیت و جایگاه خود در جامعه از طریق خانواده و مؤسسات وابسته و تشویق کودکان به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه، تأمین مراقبت لازم برای کودکان دارای نیازهای خاص و کودکانی که در شرایط دشوار به سر می‌برند و نیز رسیدگی به عللی که منجر به بروز چنین شرایطی می‌شود. (۲۶)

از منظر اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی الهی است و حق آموزش از حقوق اولیه بشری است که فارغ از مکان و زمان و مسائلی از قبیل جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت می‌بایست در مورد تمام اشخاصی امکان‌پذیر باشد. در حقوق اسلام، حق بر آموزش مورد تأیید قرآن، روایات و احادیث ائمه اطهار قرار گرفته است و با تعهدات دولت‌ها در زمینه حمایت از آموزش و تداوم آن که موجبات تعالی و رشد جامعه است و با مقررات حقوق بشری در خصوص تکلیف بر آموزش همگانی، منافات ندارد (۲۷).

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، بستر تازه‌ای برای آموزش با تمرکز ویژه بر کودکان و حق بر آموزش برای فراهم‌نمودن زمینه رشد و توسعه فردی و اجتماعی کودک ایجاد نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

پذیرش جهانی احترام به کرامت ذاتی انسانی و به رسمیت‌شناختن منزلت و شخصیت کودکان در برخورداری از حقوق و حمایت‌های لازم بدون هیچ نوع تبعیض، مبنای بسیار مهمی در جهت ارتقای جایگاه آن‌ها در حقوق موضوعه فراهم کرده است. کنوانسیون کودک به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق کودک است که دربردارنده اصول مبنایی بر اساس نیازهای فرهنگی، اجتماعی، عاطفی... کودک تدوین شده است. کنوانسیون، حق بر آموزش را در کودکان به رسمیت می‌شناسد. این سند بین‌المللی حقوق کودک، طرحی کلی و جامع و یک توافق جهانی برای آموزش

فراهم می‌کند که به ارزش ذاتی آموزش و اهمیت آن برای آینده کودک و همچنین نقش مهم آن در جامعه و جهان به طور کلی تأکید دارد.

ماده ۲۸ و ۲۹، در ارتباط با حق آموزش با محوریت علایق و منافع کودک و به منظور توانمندسازی، رشد و پرورش استعداد های کودک تنظیم شده است. در مورد حق آموزش کودکان، کنوانسیون، پیوندهای ضمنی و صریحی بین دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش و رفتار کودک در آموزش بیان می‌کند و دولت‌ها را ملزم به تأمین نیازهای آموزشی می‌نماید. در این خصوص عدم دسترسی به فضای آموزشی و امکانات آموزشی مناسب، تأثیر مستقیم بر آموزش کودکان، به خصوص در مورد کودکان ناتوان و معلول و کودکان بی‌بضاعت خواهد داشت. این موضوع بسیار مهم خواهد بود و از عوامل تشدید فقر و عدم پیشرفت تحصیلی خواهد بود. از طرفی دستیابی به فرصت‌ها و امکانات آموزشی برابر برای کلیه شهروندان موجب آمادگی کودکان برای زندگی فردی و اجتماعی، رشد همه‌جانبه شخصیت و فراهم‌نمودن زمینه‌های تحقق منزلت انسانی می‌شود، لذا برای دستیابی اهداف کنوانسیون حقوق کودک و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در حوزه آموزش، نیاز به تعهدات بیشتر دولت‌ها در این زمینه می‌باشد.

با توجه به این‌که موضوع آموزش کودکان همچنان از حمایت بالایی در میان کشورها برخوردار است و با توجه به چالش‌های موجود در زمینه اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ضرورت ایجاد بسترهای مناسب و بیشتر برای سیاست‌های آموزشی، تعهدات در سطوح ملی و بین‌المللی جهت آموزش و تهیه و توسعه برنامه‌های عملی در راستای دستیابی به اهداف اسناد حقوق بشر به ویژه کنوانسیون حقوق کودک (در حوزه کودک) وجود دارد، لذا نظارت منظم و مستمر بر پیشرفت میزان دستیابی به اهداف برنامه آموزش در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

Reference

1. Hamzeh Zainani A. Globalization of the Principle of Special Protection for Children. Social Welfare Quarterly 2010; 9(35): 51-88.
2. Ellen Turpel-Lafond M. Representative for Children and Youth, Making Human Rights Relevant to children. Unicef: Children's Forum Message; 2012.
3. Talae F, Ahmadi Bab Edari S, Kabavizade SL. An Analysis of Child Behavior and its Impact on the Right to Education of a Child with Emphasis on the International Program for the Elimination of Child Labor. Human Rights 2015; 10: 3-24.
4. Available at: <https://www.blog.oup.com/2018/11/history-declaration-rights-of-the-child>.
5. Kant Rai R. History of child rights and child labour. New Delhi: School Management Committee Manual 2011, National Coalition for Education; 2011.
6. International Child Development Center (Innocenti Studies).
7. UNICEF.
8. Summary by James R. Himes and Diana Saltarelli, Implementing the Convention on the rights of the child. International Child Development Center (Innocenti Studies); 1996.
9. Available at: <https://www.unicef.it/doc/599/convenzione-diritti-infanzia-adolescenza.htm>.
10. Pierre Claude R. The right to education and human rights education. Sur, Rev. Int. Direitos Human 2005; 2(2)
11. UN Economic and Social Council. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No.13: The Right to Education (Art.13 of the Covenant). UN Committee on Economic and Cultural Rights (CESCR). 1999. Available at: <https://www.refworld.org/docid/4538838c22.html>. Accessed Dec 1, 2019.

12. UNESCO. Convention against Discrimination in Education. Paris: UNESCO; 1960.
13. UNISCO. General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization Nairobi, UNISCO; 1976.
14. UNISCO. World Declaration on Education for All. Thailand: UNICEF, Jomtien; 1990.
15. Amiri M, Ghaedi Y, Zarghami S, Haji GH-R, Ramzan Nezhad H. A Review of Conceptual Framework for Child Educational Right. Quarterly Journal of Research in the Philosophy of Education 2015; 1(16): 32-46.
16. UNITED Nations. Convention on the Rights of the Child. United Nations, New York; 1989.
17. UNITED Nations. Children and Development in the 1990s a UNICEF sourcebook on the occasion of the World Summit for Children. New York; 1990.
18. UNICEF. World Declaration on Education for All. Thailand: UNICEF, Jomtien; 1990.
19. Children and Development in the 1990s a UNICEF sourcebook on the occasion of the World Summit for Children. United Nations, New York; 1990.
20. UNESCO. The Dakar Framework for Action: Education for All: Meeting Our Collective Commitments. Paris: UNESCO; 2000.
21. UNICEF. Building a World Fit for Children, the United Nations General Assembly Special Session on Children. 2002.
22. UNICEF. Education 2030, Incheon Declaration towards Inclusive and Equitable Quality Education and Life Long Learning for All. Incheon: UNICEF; 2015.
23. UNITED Nations. Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD). New York; 2006.
24. UNESCO. Convention against Discrimination in Education. Paris: UNESCO; 1960.

25. Ja'fari MT, World Human Rights and Jurisprudential Exploration. Qom: Armaghan e Toba Publishers; 2018.
26. Available at: <http://www.ihrc.ir/Images/Education/Files>.
27. Salamati Y, Akhavan Fard M, Taleghani H. The Obligation to Observe the Right to Education in Islamic Law of Human Rights Regulations. Islamic Law Jurisprudence Research 2015; 4(8): 89-104.